



Studies on Israel - US

Vol 25. No 3. Autumn 2024

Received date: 2024.07.18

Acceptance date: 2024.09.27



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Analyzing the Concept of Armed Attack in Exercising the Right to Self-defense in the Framework of the Resolution Defining Aggression

Hamidreza Akbarpour¹, Majid Akbarpour²



Abstract

The 21st century began with the September 11 attacks. This stormy beginning marked the beginning of many developments in various fields. Among other things, it affected the concept of the right to self-defense and its derivatives, and preemptive and preventive readings were put forward. These readings and the Security Council's approach to its resolutions have remained a matter of dispute to this day, and there has been no consensus on their legitimacy or illegitimacy. Of course, some readings, despite their conflict with established international law, have gradually achieved relative acceptance in the process of establishing and institutionalizing their procedures, but some readings have still not found an acceptable place in the procedures of states. Based on this important and influential event, the present study examines its impact on the text of the Charter, especially Article 51. Article 51, which governs the right of individual and collective self-defense of states. This study examines one of the prerequisites of the right to self-defense, namely armed attack, in light of Resolution 3314, or the resolution defining aggression. Given the widespread use of broad interpretations of the right to self-defense, emphasizing the specifics of the resolution defining aggression regarding the framing of armed attack and the criteria based on it can limit extra-legal actions and illegal recourse by countries regarding the right to self-defense. In the present study, library methods were used to collect information and data. The specific library methods used in this study include text reading and note-taking, document reading, and the use of documents. Qualitative analysis was also used for analysis.

Keywords: Right to Self-defense, Armed Attack, Resolution 3314, Expanded Interpretation, Security Council.

1 - PhD in Public International Law, Researcher, Center for Middle East Strategic Studies, Tehran, Iran.

2 - PhD in Public International Law, Assistant Professor, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

واکاوی مفهوم حمله مسلحانه در اعمال حق دفاع مشروع در قالب قطعنامه تعریف تجاوز

حمیدرضا اکبرپور^۱، مجید اکبرپور^۲



چکیده

قرن بیست و یکم با حملات ۱۱ سپتامبر شروع شد. این شروع طوفانی، سرآغاز تحولات بسیاری در زمینه‌های گوناگون شد. از جمله مفهوم حق دفاع مشروع و مشتقات ناشی از آن را تحت تاثیر قرار داد و قرائت‌های پیش‌دستانه و پیشگیرانه مطرح شد. این قرائت‌ها و رویکرد شورای امنیت در قبال قطعنامه‌های خود تا به امروز محل مناقشه مانده و در باب مشروعیت یا عدم مشروعیت آنان اجماعی حاصل نشده است. البته برخی قرائت‌ها علی‌رغم تقابل با حقوق بین‌الملل مستقر، کم‌کم در روند رویه‌سازی و نهادینه کردن خود به مقبولیت نسبی دست یافته‌اند اما برخی قرائت‌ها هنوز هم در رویه دولت‌ها، جایگاهی قابل قبول نیافته است. پژوهش حاضر با تکیه بر این رویداد مهم و اثرگذار، به تأثیر آن بر متن منشور و به‌ویژه ماده ۵۱ پرداخته است؛ ماده ۵۱ که ناظر بر حق دفاع مشروع فردی و جمعی دولت‌ها است. در این پژوهش به یکی از پیش‌شرط‌های حق دفاع مشروع یعنی حمله مسلحانه در پرتو قطعنامه ۳۳۱۴ یا همان قطعنامه تعریف تجاوز پرداخته شده است. با توجه به گسترش توسل به تفاسیر موسع در خصوص حق دفاع مشروع، تأکید بر مختصات قطعنامه تعریف تجاوز در خصوص چارچوب‌بندی حمله مسلحانه و معیارهای متکی بر آن می‌تواند اقدامات فراقانونی و توسل غیرقانونی کشورها در خصوص حق دفاع مشروع را محدود کند. در پژوهش حاضر از روش‌های کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات و داده استفاده شده است. روش‌های اختصاصی کتابخانه‌ای مورد استفاده در این پژوهش شامل متن‌خوانی و فیش‌برداری، سندخوانی و استفاده از مدارک و مستندات است. برای تجزیه و تحلیل نیز از روش تجزیه و تحلیل کیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حق دفاع مشروع، حمله مسلحانه، قطعنامه ۳۳۱۴، تفسیر موسع، شورای امنیت.

۱ - دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران.

hamidakbarpour172@gmail.com

۲ - دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

مقدمه

قاعده منع توسل به زور یا تحریم جنگ یکی از اصول بنیادین و از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است. این قاعده ریشه در تاریخ صدها ساله دارد. از جمله یکی از نخستین ایده‌ها در این زمینه، متعلق به سنت آگوستین است که بر جنگ عادلانه یا دادگرانه تاکید می‌کرد. طرح جنگ عادلانه یا دادگرانه تا حدودی توانست مانع از توسل نامحدود به زور شود. اما از مهم‌ترین تلاش‌ها در عصر جدید، می‌توان به برگزاری دو کنفرانس صلح لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ میلادی اشاره کرد که در آن توافق‌هایی در جهت جلوگیری از جنگ از و تدوین معاهداتی در خصوص حقوق جنگ و بی‌طرفی صورت گرفت. اما وقوع جنگ جهانی اول و در پی آن تشکیل جامعه ملل، گامی رو به جلو در جهت منع توسل به زور برداشت اما این گام چندان محکم برداشته نشد و با توجه به میثاق این سازمان، در نگاه خوشبینانه به محدود کردن جنگ و در نگاه بدبینانه به پذیرش جنگ به‌عنوان یکی از راه‌های فیصله اختلافات بین‌المللی به شکل غیر مسالمت‌آمیز تن داده بود. قدم موثر بعدی با انعقاد پیمان عمومی برای کناره‌گیری و ترک جنگ برداشته شد که با نام‌های پیمان بریان-کلوگ یا پیمان پاریس^۱ شناخته می‌شود. این پیمان در سال ۱۹۲۸ میلادی امضاء گردید و کشورهای بسیاری به آن پیوستند. اما این پیمان نیز نتوانست مانع از وقوع جنگ جهانی دوم شود (علیخانی، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۴). در نتیجه پس از جنگ جهانی دوم و انباشت تجربه تاریخی ناشی از عملکرد جامعه ملل، تدوین‌کنندگان منشور سازمان ملل را به این سمت سوق داد تا با تمام تلاش در منشور سازمان ملل، استفاده از زور را نامشروع جلوه دهند. نتیجه این امر، تاکید موکد بر ممنوعیت مطلق استفاده از زور در منشور سازمان ملل شد. این مسئله بر اصل منع توسل به زور^۲ پی‌ریزی شد که امروزه از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل است که بر سرتاسر منشور، جاری و ساری است (یاقوتی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). اما دو استثناء بر این اصل مقدم و والا وارد شده است؛ این دو استثناء منشور که به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که از زور در روابط بین‌الملل استفاده کنند شامل حق دفاع مشروع و اقدامات شورای امنیت بر اساس اختیارات واگذار شده در ماده ۲۴ و ۲۵ و فصل هفتم منشور ملل متحد در راستای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۵۴۷). استثنای اول، از مفاهیم مورد توجه در حقوق بین‌الملل است. حق دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد به معنای «حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله‌ای مسلحانه به یک کشور است تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ

1 - Kellogg-Briand Pact or Pact of Paris

2 - Principle of non-use of force

نماید». بر این اساس شرط اساسی حق دفاع مشروع، وقوع فعل حمله یا تهاجم مسلحانه توسط دولتی دیگر است. البته این تعریف جامع و مرسوم حق دفاع مشروع است و فارغ از تفاسیر موسعی است که از آن می‌شود و همواره محل جدل بوده است (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۴۵). بر همین اساس، حق دفاع مشروع همواره از مهم‌ترین مباحث مطرح در حوزه روابط بین‌الملل و به‌ویژه حقوق بین‌الملل بوده و کشمکش‌ها و استدلال‌های مبتنی بر این حق، به‌ویژه در خصوص پیش‌شرط اساسی آن یعنی حمله مسلحانه، همواره محل بحث و مجادله در جامعه بین‌المللی بوده است. در نتیجه تفاسیر متعددی بر اساس آن شکل گرفته است. این پژوهش با واکاوی این پیش‌شرط حق دفاع مشروع، به تفاسیر موسع مبتنی بر آن پرداخته است. سپس سعی می‌کند تا ارتباط بین مفهوم حمله مسلحانه با قطعهنامه تعریف تجاوز را تبیین کند. ضرورت انکارناشدنی این موضوع، در باب گسترش مباحث حوزه نظری در زمینه تبیین این پیش‌شرط اساسی حق دفاع مشروع در حوزه حقوق توسل به زور است که امروزه به کرات به آن استناد می‌شود.

۱. مفاهیم و مبانی

۱-۱. حق دفاع مشروع

حق دفاع مشروع دارای سیر تاریخی مفصل است. این مفهوم از دوران باستان با جوامع بشری همراه بوده است؛ اما به طور کلی، سیر شکل‌گیری این مفهوم را می‌توان به دوره‌های مختلف تاریخی تقسیم کرد. تا پیش از سال ۱۸۱۵ میلادی، این مفهوم کم و بیش در یک بستر تعریف می‌شد، علاوه بر این تحت تاثیر مفهوم جنگ مشروع قرار داشت. کار محققان حقوقی اولیه در این دوران نشان می‌دهد که منشأ حق یک دولت برای استفاده از جنگ، حاکمیت آن دولت بوده است، یعنی همان جوهره دولت که آن را به یک نهاد سیاسی مستقل در میان جامعه در حال رشد ملت‌ها تبدیل کرده بود. طرح حاکمیت در قالب استفاده از حق دفاع مشروع، انتخاب یک دولت برای تضمین آزادی‌ش در برابر مداخله خارجی را نشان می‌داد. در این دوران توسل به جنگ، دارای ابعاد تهاجمی و دفاعی بود. اعمال تهاجمی شامل اهدافی مانند حل و فصل اختلافات حقوقی، انتقام‌جویی، جبران غرامت، مجازات، تضمین در برابر خطاهای آینده و در برخی شرایط تسخیر بود. در مقابل، برای اعمال دفاعی تنها یک هدف وجود داشت؛ آن هدف، دفاع در برابر تهدید ناعادلانه نیروی مسلح قریب‌الوقوع بود که معطوف به قلمرو کشور یا علیه یک متحد آن بود. این بُعد دفاعی، در واقع ستون و مبدأ حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل معاصر شد. بُعد تهاجمی نیز به تدریج برای هر هدفی محدود و در نهایت ممنوع شد. برای

توسل به دفاع مشروع، دو ملاحظه فوریت^۱ و ضرورت^۲ از آثار دانشمندان حقوقی آن زمان قابل استنباط است. پژوهش محققان مبین این امر است که در این برهه از تاریخ، حق حاکمیتی برای استفاده از جنگ در قالب دفاعی و این دو ملاحظه به معنای حقوقی با یکدیگر تعامل داشتند. بنابراین در حالی که این تعامل به دلیل تداوم تهدید ادامه داشت، اقتدار یک دولت تحت حقوق ملل برای اعمال حق حاکمیت خود نیز ادامه داشت و تنها با در نظر گرفتن تناسب^۳ محدود می‌شد (Murray Colin, 2013: 21-23).

مابین سال‌های ۱۸۱۵-۱۹۱۴ میلادی از مقاطع قابل توجه در مفهوم دفاع مشروع است. منبع رسمی حقوق بین‌الملل در این دوران، همچنان عرف بین‌الملل بود. شکل‌گیری قواعد عرفی توسط رویه عمومی دولت‌ها بود. دولت‌هایی که در این دوره خود را به‌عنوان بازیگر اصلی در سیستم تقویت‌کننده حقوق بین‌الملل تثبیت کرده بودند. در این دوران، هیچ معاهده چندجانبه‌ای وجود نداشت که اعمال حق حاکمیتی استفاده از جنگ را ممنوع کند. اما در اواخر قرن نوزدهم معاهداتی تدوین شد که تعهداتی را بر دولت‌ها تحمیل می‌کرد تا قبل از توسل به جنگ، اختلافات بین‌المللی را از طرق دیگر حل و فصل کنند. چنین معاهداتی، نشان‌دهنده شتاب فزاینده منع استفاده از جنگ برای حل و فصل اختلافات بود (Ibid, 26). حقوق بین‌الملل در این دوران همچنان حق دولت‌ها در جهت استفاده از زور برای اهداف تهاجمی و دفاعی را به‌عنوان حق حاکمیتی در نظر می‌گرفت. در رابطه با اهداف تهاجمی مبتنی بر حق حاکمیتی برای استفاده از زور، تغییراتی در حال شکل‌گیری بود. انگیزه فزاینده‌ای در جریان بود تا دولت‌ها قبل از توسل به زور یا نیروی مسلح، تلاش‌هایی را در جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات خود انجام دهند. اما در رابطه با استفاده دفاعی و با استناد به مکاتبات دیپلماتیک در قضیه کارولین^۴، این مسئله منعکس‌کننده اصول مورد حمایت دانشمندان حقوق در ماقبل این دوران بود. بنابراین این حق حاکمیتی به‌عنوان مظهر حق قانونی یک دولت در حقوق بین‌الملل برای توسل به زور در جهت دفاع مشروع به رسمیت شناخته شد. علاوه بر این، مکاتبات دیپلماتیک در قضیه کارولین بر ملاحظات فوریت، ضرورت و تناسب به‌عنوان اصول حقوق بین‌الملل عرفی و عوامل محدودکننده جنگ دفاعی تاکید مجدد کرد. دقیقاً به همان شیوه و دلایلی که عالمان حقوق در دوران پیش از ۱۸۱۵ میلادی تفسیر و اعمال کرده بودند. این اصول تعیین می‌کردند که چه زمانی، چرا و تا چه اندازه می‌توان این حق را به صورت تدافعی در حقوق بین‌الملل اعمال کرد. بنابراین در صورت اعمال دفاعی، دامنه

1 - Immediacy

2 - Necessity

3 - Proportionality

4 - Caroline Affair

حقوقی حق حاکمیت را مشخص می‌کرد. سال‌های پایانی این مقطع با شروع جنگ جهانی اول آغاز شد. این جنگ به مانند کاتالیزوری بود که جامعه بین‌المللی را ترغیب کرد تا از حقوق بین‌الملل برای متمرکز ساختن مکانیزم‌های بین‌المللی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دولت‌ها استفاده کند (Murray Colin, 2013: 43-44).

اما مقطع نهایی در تدوین حق دفاع مشروع، به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و از سال ۱۹۴۵ میلادی به بعد بر می‌گردد. تفسیر ساده منشور ملل متحد نشان می‌دهد که این معاهده به فرایند طولانی تلاش مستمر حقوق بین‌الملل برای محدود کردن اعمال یک‌جانبه توسل به زور و استفاده از جنگ پایان داد (Ibid, 89). اما دو استثناء بر این اصل وارد شده است؛ این دو استثناء در منشور به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که از زور در روابط بین‌الملل استفاده کنند. استثنای اول، اقدامات شورای امنیت بر اساس اختیارات واگذار شده در ماده ۲۴ و ۲۵ و فصل هفتم منشور ملل متحد در راستای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است؛ اما استثنای دوم، حق دفاع مشروع است. در این راستا در ماده ۵۱ منشور آمده که «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام‌های لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه به طور فردی و خواه دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد» (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۵۴۷). مذاکرات مقدماتی نشان می‌دهد که دلیل اصلی ذکر این حق به این دلیل بوده که برخی از دولت‌ها نگران بودند که مفهوم امنیت جمعی که باید توسط منشور اجراء شود، ممکن است ترتیبات دفاع شخصی و جمعی را نقض یا حتی ممنوع کند. در واقع دولت‌ها قصد خود را برای محافظت از این حق در برابر تضعیف یا از بین رفتن آن توسط هر چیزی در منشور ابراز کردند. به طور کلی ماده ۵۱ را می‌توان کاملاً با قصد و نیت دولت‌ها برای ادامه اصول اساسی دفاع مشروع که به مدت چهار قرن قبل از سال ۱۹۴۵ وجود داشت، مطابق دانست. این قصد دولت‌ها در مذاکرات پیمان بریان-کلوگ نیز وجود داشت، با این تفاوت که سرانجام دولت‌ها در منشور تصمیم گرفتند به صراحت این حق را به رسمیت بشناسند (Ibid, 90).

۱-۲. حمله مسلحانه

در هنگام اعمال دفاع مشروع باید تعدادی از معیارها و اصول مدنظر قرار گیرد. این اصول شامل ضرورت، تناسب و فوریت است. این اصول ریشه در عرف بین‌المللی دارند و دارای قدمتی چهارصد ساله است. اصول مذکور در قضیه کارولین نیز مورد تاکید قرار گرفت و به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تلقی شد. به همین دلیل است که با وجود عدم تصریح ماده ۵۱ و دیگر مفاد منشور، باز

هم قابل اتکاء هستند و مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. کما اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضایایی مانند نیکاراگوئه علیه ایالات متحده^۱، جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا (پرونده سکوه‌های نفتی)^۲، جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا^۳ و در موارد دیگر به این اصول حقوق بین‌الملل عرفی اشاره و آنها را تایید کرده است (Upeniece, 2018: 2). علاوه بر این در اعمال دفاع مشروع، پس شرط هم وجود دارد. طبق ماده ۵۱ منشور، دفاع مشروع تا اخذ اقدامات لازم توسط شورای امنیت و گزارش به آن شورا قابل توجیه است (محمدعلی‌پور، ۱۴۰۱). اما همه این شروط متکی به پیش‌شرط اعمال دفاع مشروع است. در ماده ۵۱ منشور، توسل هر یک از دول عضو ملل متحد به دفاع مشروع را تنها در صورتی امکان‌پذیر می‌داند که حمله‌ای مسلحانه^۴ علیه آنها صورت پذیرد. هدف از گنجاندن چنین عبارتی در منشور، کاستن از آزادی عمل دولت‌ها به منظور جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی دولت‌ها است (کدخدایی و زر نشان، ۱۳۸۶: ۹۰). این ماده و دیگر مفاد منشور، تعریفی از حمله مسلحانه ارائه نکرده‌اند. دامنه این حق، شرایط اعمال آن، مفهوم اقدامات لازم و مرجع تشخیص‌دهنده نیز آشکار نیستند (محمدعلی‌پور، ۱۴۰۱: ۶-۷). بنابراین پیش‌شرط توسل به دفاع مشروع، تعدی و تجاوز مسلحانه و نظامی بر علیه یک کشور عضو سازمان ملل است. این شرط از عبارت «در صورت وقوع حمله مسلحانه» در ماده ۵۱ منشور به صورت صریح و آشکار قابل فهم است. بنابراین طبق این برداشت، تهاجمات غیر نظامی از قبیل تهاجم اقتصادی، عقیدتی و فرهنگی از دایره دفاع مشروع خارج است (حسینی زندآبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵).

۱-۳. قطعنامه تعریف تجاوز

مفهوم تجاوز یکی از موضوعاتی است که همواره جامعه بین‌المللی به دنبال تعریف و تبیین آن بوده است. قبلاً زیر نظر جامعه ملل، تلاش‌هایی برای تعریف تجاوز صورت گرفت اما ثمربخش نبود. در کنفرانس سانفرانسیسکو که از ۲۵ آوریل تا ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ میلادی برگزار شد، چندین هیأت پیشنهاد کردند که اصطلاح تجاوز تعریف یا توضیح داده شود اما اکثریت افرادی که با این موضوعات درگیر بودند، فکر می‌کردند که یک تعریف اولیه از این اصطلاح، فراتر از محدوده منشور است و تعریف همه موارد تجاوز با توجه به تکنیک‌های مدرن جنگ بسیار دشوار است (Wilmshurst, 2024). با تشکیل

1 - Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)

2 - Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America)

3 - Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda)

4 - Armed attack

سازمان ملل، تکاپو در این زمینه چند برابر شد. نخستین تلاش از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل^۱ در سال ۱۹۵۱ میلادی صورت گرفت اما تلاش‌های کمیسیون برای ارائه یک تعریف کلی موفقیت‌آمیز نبود. پس از این تلاش ناموفق، مجمع عمومی مجدداً در سال ۱۹۵۲ به این موضوع پرداخت و کمیته ویژه‌ای را برای پیش‌نویس «تعریف تجاوز یا پیش‌نویس بیانیه‌های مفهوم تجاوز»^۲ تشکیل داد؛ این کمیته نیز موفق نبود. دو کمیته دیگر در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۵۷ میلادی ایجاد شد که باز هم در مورد تعریف به توافق نرسیدند. در تلاشی دیگر از سوی مجمع، کمیته ویژه چهارم توسط قطعنامه ۲۳۳۰ در دسامبر ۱۹۶۷ میلادی ایجاد شد. در نهایت مجمع عمومی در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ میلادی با اجماع، قطعنامه ۳۳۱۴ در خصوص تعریف تجاوز مصوب کمیته ویژه چهارم را تصویب کرد. این مذاکرات طولانی تا حدودی قابل توجه است. از یک سو، تنش‌های ناشی از جنگ سرد بود و از سوی دیگر نگرانی‌هایی وجود داشت که تهیه فهرستی از اقدامات تهاجمی، ناگزیر ناقص و در نتیجه گمراه‌کننده است. همین امر سبب شده بود تا دو دستگی به وجود آید. به نظر برخی، تعریف روشن و صریح بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز بود و برخی دیگر تصور می‌کردند که وجود تعریف روشن و صریح، دستیابی به صلح را دشوارتر می‌کند زیرا می‌تواند انعطاف‌پذیری سازمان ملل متحد را محدود کند (United Nations Audiovisual Library of International Law, 2024).

این قطعنامه دارای یک سند تصویب و یک ضمیمه است، ضمیمه قطعنامه نیز دارای یک مقدمه در ده بند و هشت ماده است. برخی فرازهای این ضمیمه دارای اهمیت بسیاری است. ماده ۸ یکی از این فرازهای حقوقی ارزشمند است زیرا تأکید دارد که قطعنامه تعریف تجاوز را باید به صورت یک کل در نظر گرفت. فراز دیگر در خصوص تعریف تجاوز است. در خصوص تعریف تجاوز، قطعنامه از تعریفی مرکب استفاده کرده است یعنی تعریفی کلی به همراه فهرستی از اقدامات منع شده که مصداق تجاوز است. تعریف کلی در ماده ۱ ارائه شده است. اقدامات مصداقی در ماده ۳ بیان شده که تکمیل‌کننده تعریف کلی در ماده ۱ است. فراز دیگر در خصوص معیارهای تشخیص تجاوز و رکن مسئول تشخیص آن می‌باشد که در ماده ۲ ذکر شده است. ماده ۲ چنین مقرر می‌دارد که «پیشدستی یک دولت در کاربرد نیروی مسلح مغایر با منشور، نشانه اولیه اقدامی تجاوزکارانه به شمار خواهد آمد، گرچه شورای امنیت طبق منشور می‌تواند نتیجه بگیرد که احراز وقوع تجاوز با توجه به دیگر شرایط

1 - International Law Commission (ILC)

2 - Definitions of aggression or draft statements of the notion of aggression

مربوط از جمله کافی نبودن شدت اقدامات به عمل آمده یا نتایج آنها، قابل توجیه نیست» (طارم‌سری و همکاران، ۱۳۶۵).

این قطعنامه بعدها نیز مبنای برخی اقدامات دیگر شد. این موضوع در راستای درخواست مجمع عمومی در سند تصویب قطعنامه بود که توجه شورای امنیت را به تعریف تجاوز جلب و به آن توصیه کرده که در احراز تجاوز، تعریف مزبور را به نحو مقتضی راهنمای خود قرار دهد. بر همین اساس این قطعنامه به یک منبع اصلی برای مذاکرات در مورد تعریف جرم تجاوز در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی تبدیل شد. هر چند که در این مورد اختلاف نظرهایی پیش آمد از جمله اینکه کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود در مورد پیش‌نویس اساسنامه سال ۱۹۹۴ میلادی برای دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرد که قطعنامه تعریف تجاوز با تجاوز دولت‌ها سر و کار دارد نه با جنایات افراد. همچنین به‌عنوان راهنمایی برای شورای امنیت طراحی شده و به‌عنوان تعریفی برای استفاده قضایی نشده است (Wilmshurst, 2024). با وجود این اختلاف نظرها اما سرانجام در نشست پایانی کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در شهر کامپالای اوگاندا در سال ۲۰۱۰ میلادی، تعریف جنایت تجاوز بر مبنای قطعنامه تعریف تجاوز صورت گرفت (فروغی‌نیا و موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

۲. روش تحقیق

ماهیت پژوهش حاضر را می‌توان از حیث هدف، پژوهشی بنیادی با رویکرد نظری دانست. این پژوهش از حیث نوع داده، کیفی است. همچنین بر اساس روش کار و نحوه گردآوری، پژوهشی توصیفی با رویکرد تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات و داده در پژوهش حاضر، روش کتابخانه‌ای است. بر همین اساس به جمع‌آوری نظرها و تحلیل‌های مختلف در باب مقوله دفاع مشروع و قطعنامه تعریف تجاوز پرداخته شده است. این روند بر اساس روش‌های اختصاصی کتابخانه‌ای شامل متن‌خوانی و فیش‌برداری از پژوهش‌های منتخب صورت گرفته است. این روش‌ها در دو فضای واقعی و مجازی شکل گرفته است. به عبارتی اطلاعات و داده‌های اساسی در خصوص موضوع پژوهش، هم از فضای کتابخانه‌ای و هم از فضای اینترنتی گردآوری و تهیه شده است.

گام بعدی انتخاب روش تحلیل است. با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، روش تجزیه و تحلیل کیفی برای این پژوهش انتخاب شده است. در شیوه تجزیه و تحلیل کیفی چون داده‌ها کمی نیست و جنبه آماری ندارد، معیار و مبنای دیگری غیر از روش‌های آماری باید برای تجزیه و تحلیل آنها به کار رود. این مبنای معیار در تجزیه و تحلیل کیفی، عقل، منطق، تفکر و استدلال ذهنی است؛ یعنی محقق با استفاده از عقل، منطق، غور و اندیشه باید اسناد، مدارک و اطلاعات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل

قرار دهد و حقیقت را کشف و به سؤالات پاسخ دهد. بنابراین در تحقیقات کیفی، محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تفسیر، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و... که همگی با کمک تفکر، تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و تحلیل کند و با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری کند.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. تفسیر موسع دفاع مشروع مبتنی بر حمله مسلحانه

برخی از حقوقدانان معتقد هستند با توجه به مفاد ماده ۵۱ منشور ملل متحد، سوابق مربوط به تصویب آن و هدف‌های اصولی منشور، محدود کردن ماده ۵۱ منشور منطقی نیست. بر همین اساس، با توجه به معیارهایی نظیر زمان و ماهیت حمله مسلحانه، تفاسیر موسعی ارائه شد. دفاع مشروع در این قرائت جدید، محدوده وسیع‌تری را در بر می‌گیرد و در جهت مقابله با حملاتی که شدت و دامنه یک حمله مسلحانه را دارا نباشند، قابل اعمال است. این قرائت جدید از ماده ۵۱ منشور، مرزهای مورد نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دفاع مشروع و ماده ۵۱ منشور را درنوردید و دامنه استناد دولت‌ها به این ماده جهت مقابله با تهدیدات فراروی را مشروع می‌داند (صحرائی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

۳-۱-۱. دفاع مشروع پیشگیرانه^۱

نخستین بستر مهم تفسیر موسع از حق دفاع مشروع با توجه به معیار حمله مسلحانه، در توسل به دفاع مشروع قبل از رخ دادن حمله مسلحانه دولت متخاصم است. مفسران معتقد به این نوع از تفسیر بیان می‌دارند که دفاع مشروع محدود به مقابله با حمله مسلحانه مندرج در ماده ۵۱ منشور نیست، بلکه در مقابل حمله احتمالی، قابل پیش‌بینی و یا حمله‌ای که به حمله مسلحانه منتهی نمی‌شود نیز قابل اعمال است. حامیان این تفسیر چنین استدلال می‌کنند که تدوین حق دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور به دلیل جایگزین کردن مفهوم جدیدی از این حق به جای مفهوم شناخته شده آن در حقوق عرفی پیش از منشور نیست. شاهد این مدعا را درج عبارت حق ذاتی^۲ در ماده ۵۱ می‌دانند (قادری کنگاوری و آقایبی خواجه پاشا، ۱۳۹۱: ۱۱۰). بر همین اساس، این تفسیر موجب شکل‌گیری مفهوم حق دفاع مشروع پیشگیرانه شده است. این مفهوم دارای دو زیرشاخه اصلی است که شامل دفاع مشروع پیشدستانه^۳ و دفاع مشروع پیشگیرانه^۴ می‌شود. دفاع مشروع پیشدستانه عبارت است از پاسخی مسلحانه به تهدیدات

1 - Anticipatory self-defence

2 - Inherent right

3 - Preemptive Legitimate Defense

4 - Preventive Self-Defense

قریب‌الوقوعی که بر اساس قراین و شواهد، احتمال تحقق آن بسیار زیاد است (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۸۵). به عبارت دیگر به وضعیتی گفته می‌شود که کشور مورد تهدید به استناد سوابق و یا قرائن روشن از احتمال تجاوز نظامی قریب‌الوقوع توسط کشور دیگری، با توسل به زور از این اقدام پیشگیری می‌کند (جلالی و زبیب، ۱۳۹۷: ۵۴). اما مفهوم دیگری که زیرمجموعه دفاع مشروع پیشگیرانه است، حق دفاع مشروع پیشگیرانه است. دفاع مشروع پیشگیرانه، پاسخ مسلحانه به تهدیدی است که زمان و مکان آن مورد تردید است ولی مانع برتری دشمن می‌شود. بنابراین بر خلاف دفاع مشروع پیشدستانه، وجود ادله و شواهد متقن و محکم مبنی بر احتمال حمله مسلحانه در آینده ضروری نیست (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۸۵). به عبارت دیگر، دفاع مشروع پیشگیرانه به حمله‌ای اطلاق می‌شود که در آن یک دولت با هدف سرکوب توانمندی دولت رقیب برای هر گونه احتمال حمله در آینده، حتی در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی در خصوص طراحی حمله وجود ندارد، به زور متوسل می‌شود (ظریف و آهنی‌امینه، ۱۳۹۱: ۴۶).

این دو برداشت از دفاع مشروع، بسیار به هم شبیه هستند؛ حتی این تشابه در زمان عمل بیشتر هم می‌شود. به همین دلیل برخی از نویسندگان، دفاع مشروع پیشگیرانه را تحت عنوان دفاع مشروع پیشدستانه قرار داده‌اند. مبنای تشابه این دو مفهوم، در باب زمان حمله مسلحانه است، چرا که هر دو قبل از حمله مسلحانه اعمال می‌شود. علاوه بر این هر دو ماهیت تهاجمی دارند ولی با ادله تدافعی به کار گرفته می‌شوند (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۸۶). تفاوت میان این دو مفهوم نیز به همان متغیر حمله مسلحانه بر می‌گردد اما دامنه تهدید ناشی از آن متفاوت است. در دفاع پیشدستانه، فوری بودن و قطعی بودن اصل تهدید، نکته محوری است. اما در دفاع پیشگیرانه، تهدید مد نظر، نه قطعی و نه فوری است و هدف آن بیشتر تخریب پتانسیل تهدید دشمن در آینده است (ظریف و آهنی‌امینه، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۵). استینبرگ^۱ در بیان تفاوت این دو نوع از دفاع مشروع، چنین اظهار داشته است که «دفاع مشروع پیشگیرانه در شرایطی است که شما شخصی را می‌بینید که تفنگی را در دست دارد و شما از او خوشتان نمی‌آید. در عین حال، آن شخص دارای سابقه و پیشینه بدی است. با وجود اینکه آن شخص شما را با تفنگ مورد هدف قرار نداده و شما هیچ دلیلی ندارید که فکر کنید او قصد شلیک به شما را دارد، به وی حمله می‌کنید. اما دفاع مشروع پیشدستانه مربوط به موقعیتی است که شخص با تفنگی مسلح مورد تهدید قرار گرفته و از این رو جهت دفاع از خود به صورت تهاجمی وارد عمل می‌شود» (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۸۶). تفاوت دیگر میان این دو گونه از دفاع مشروع، در میزان

1 - James B. Steinberg

مشروعیت نسبی آنان است. در حالی که واکنش جامعه بین‌المللی به دفاع مشروع پیشگیرانه، شدید و قاطع بوده، اما واکنش‌های جهانی نسبت به دفاع مشروع پیشدستانه به آن میزان، قاطع و یکدست نبوده است (صابری انصاری و ممتاز، ۱۳۹۱: ۱۸۴). دلیل این امر می‌تواند به سابقه تاریخی قضیه کارولین و البته عرف بین‌المللی پیش از منشور برگردد. هر چند برخی از حقوقدانان، منکر تشکیل عرف بین‌المللی پیش از منشور در این مورد هستند اما برخی دیگر از حقوقدانانی که حتی مخالف تفسیر موسع هستند نیز تأکید دارند که آنچه تحت عنوان دفاع مشروع قبل از سال ۱۹۴۵ میلادی وجود داشت، فراتر از دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور است (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱: ۷۲). به همین دلیل و با تکیه بر استدلال‌های مطروحه می‌توان اقرار داشت که در یک سلسله نظام مشروعیت‌محور و منحصر در باب قیاس این دو برداشت از دفاع مشروع، دفاع پیشدستانه به نسبت دفاع پیشگیرانه دارای مقبولیت و مشروعیت بیشتری است (جلالی و زبیب، ۱۳۹۷: ۵۴).

۳-۱-۲. دفاع مشروع در مقابل حملات سایبری

به طور کلی، جنگ سایبری بین دولت‌ها است. هر چند نفرات درگیر در این امر نیز مانند تمام فعالیت‌های انسانی، توسط افراد انجام می‌شود اما این افراد وابسته به یک دولت خاص هستند. جنگ سایبری با مفاهیمی مانند تروریسم سایبری دارای تشابهات و تمایزاتی است. جنگ سایبری مانند تروریسم سایبری منجر به تخریب اموال اما در مقیاسی گسترده‌تر و شاید مرگ و صدمه دیدن افراد شود. اما برخلاف تروریسم سایبری، اصل در محدود شدن جنگ به اهداف دولتی و نظامی است. بنابراین زخمی شدن و یا کشته شدن غیر نظامیان هدف نیست و اگر رخ دهد، یک اتفاق جانبی است. در تروریسم سایبری، به طور معمول افراد، گروه‌ها و سازمان‌های غیر دولتی مستقل فعال هستند. هدف معمولاً غیر نظامیان است و این امر با ایجاد خشونت و ترس و بر اساس یک ایدئولوژی خاص صورت می‌پذیرد (Brennerm, 2006: 465-466).

حامیان تفسیر موسع ماده ۵۱ با توجه به موارد فوق، بحث دفاع مشروع را در حملات سایبری مطرح کرده‌اند؛ اما با در نظر داشتن ماهیت سایبری این اقدامات، می‌توان سؤالاتی از جمله اینکه آیا یک حمله سایبری می‌تواند در مفهوم حمله مسلحانه ماده ۵۱ بگنجد یا خیر؟، را مطرح کرد. به طور کلی در این باب، سه نظریه مطرح است. نظریه نخست، دیدگاه ابزارمحور^۱ است. بر اساس این دیدگاه، حملات سایبری باید مشخصه‌های فیزیکی همانند با حملات مسلحانه در دنیای واقعی را داشته باشد. طرفداران این دیدگاه، تعریف قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از واژه تجاوز را مبنای تفسیر خود

قرار داده‌اند. نظریه دوم، دیدگاه هدف‌محور^۱ است. بر اساس این رویکرد، هدف حمله و ارزش حیاتی آن حائز اهمیت است. در نتیجه وقتی یک حمله سایبری معادل یک حمله مسلحانه تلقی می‌شود که اهداف حمله، اهمیت حیاتی نزد کشور قربانی داشته باشد. لذا چنانچه زیرساخت‌های حیاتی کشوری هدف یک حمله سایبری قرار گیرد، حتی اگر آن حمله تلفات یا خرابی‌هایی نداشته باشد، در حکم حمله مسلحانه است. نظریه سوم، دیدگاه اثرمحور^۲ است. بر طبق این دیدگاه، مقایسه تأثیرات مشابه یک حمله سایبری با یک حمله مسلحانه واقعی بر معادلات نظامی و نتیجه نهایی جنگ باید مورد توجه باشد. در نتیجه برای اینکه حملات سایبری به عنوان حمله مسلحانه شناخته شود باید به نتایج و تأثیرات آن توجه کرد. بنابراین اگر یک حمله سایبری، قابل انتساب به یک کشور بود و تأثیرات مخرب آن، قابل مقایسه با تأثیرات یک حمله مسلحانه فیزیکی باشد، کشور قربانی می‌تواند به دفاع مشروع متوسل شود (امیری و حیدری فر، ۱۳۹۷: ۱۶۵-۱۶۶).

در مجموع علی‌رغم اینکه اجماعی وجود ندارد و موضوع با پیچیدگی‌های خاص خود مواجه است، اما نمی‌توان از برخی استدلال‌های حامیان رویه دفاع مشروع در مقابل حملات سایبری به سادگی عبور کرد. به نظر می‌رسد حداقل در مواردی باید قائل به دفاع مشروع بود. به طور مثال در مواردی که حمله سایبری در کنار سایر جنگ‌افزارهای متداول استفاده می‌شود، شکی در مسلحانه بودن حمله سایبری نیست، چرا که این حملات در کنار حملات متداول رخ داده است. البته حملات سایبری در این موارد باید به آماده‌سازی فضا برای حملات فیزیکی کمک کند یا اینکه دوشادوش حملات سنتی هر چند با شدت کمتر در پیکار با مواضع دشمن مورد استفاده قرار گیرد (نامدار و قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۱۱-۲۱۲). ذکر این نکته ضروری است که اقدامات سایبری در اکثر مواقع، نقض اصل منع توسل به زور نیست. ماهیت آن به مانند موضوعات دیگری از قبیل اقدامات اقتصادی، سیاسی و غیره است که در زمان تدوین منشور در قالب توسل به زور تعریف نشد. این امور بیشتر در نقض اصل منع مداخله مطرح است؛ حتی بیشتر مواردی هم که در قالب توسل به زور تعریف می‌شود، دارای آستانه حمله مسلحانه نیست که شامل دفاع مشروع شود.

در کنار حملات تلفیقی (سنتی و سایبری) که به آن اشاره شد، می‌توان در تقابل با حملات سایبری که به صورت منفرد انجام می‌گیرد نیز قائل به دفاع مشروع بود. این امر در صورتی قابل قبول است که حملات سایبری قابلیت انتساب به یک دولت داشته باشد و دارای شدت کافی باشد. این حملات باید

1 - Target-Oriented Approach

2 - Effect-Oriented Approach

در مقیاس گسترده و علیه زیرساخت‌های مهم صورت گیرد و نتیجه آن، بروز خسارات مادی عمده یا تلفات انسانی قابل قیاس با یک حمله مسلحانه با تسلیحات متعارف باشد (قاسمی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۱: ۱۴۰). البته معیارهای شدت در حمله مسلحانه بسیار پر ابهام و بحث‌برانگیز است. دولت‌ها هم در ارائه نظرات صریح حقوقی، مردد هستند و بر این ابهام افزوده‌اند، چرا که ارگان‌های آنها در محیط داخلی و خارجی، دارای اولویت‌های متفاوتی هستند. تعدادی از این ارگان‌ها در زمینه حفاظت از قابلیت‌های نظامی کشور فعالیت دارند و در مقابل برخی ارگان‌های اطلاعاتی، وظیفه متفاوت از آنها دارند از جمله جمع‌آوری اطلاعات که شامل نفوذ به سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورها می‌شود (محمدعلی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۵۲). رویه آنان نیز حاکی از این است که در محکومیت حملات سایبری هماهنگ و یکدست هستند اما در باب چگونگی واکنش و اینکه آیا در برگیرنده مفهوم حمله مسلحانه می‌شود یا خیر، اجماعی ندارند (رضایی و جلالی، ۱۳۹۷: ۷۰۲).

۳-۱-۳. نسبت حمله مسلحانه با قطعنامه تعریف تجاوز

همان‌گونه که ذکر آن رفت، ماده ۵۱ منشور توسل هر یک از دول عضو ملل متحد به دفاع مشروع را تنها در صورتی امکان‌پذیر می‌داند که حمله‌ای مسلحانه^۱ علیه آنها صورت پذیرد. هدف از گنجاندن چنین عبارتی در منشور، کاستن از آزادی عمل دولت‌ها به منظور جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی دولت‌ها است (کدخدایی و زر نشان، ۱۳۸۶: ۹۰). این ماده و دیگر مفاد منشور، تعریفی از حمله مسلحانه ارائه نکرده‌اند. دامنه این حق، شرایط اعمال آن، مفهوم اقدامات لازم و مرجع تشخیص‌دهنده نیز آشکار نیستند (محمدعلی‌پور، ۱۴۰۱: ۶-۷). بنابراین پیش‌شرط توسل به دفاع مشروع، تعدی و تجاوز مسلحانه و نظامی بر علیه یک کشور عضو سازمان ملل است. این شرط از عبارت «در صورت وقوع حمله مسلحانه» در ماده ۵۱ منشور به صورت صریح و آشکار قابل فهم است (حسینی زندآبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵).

در باب ماهیت و دامنه حمله مسلحانه، باید به منابع دیگر حقوق بین‌الملل رجوع کرد چرا که منشور در این مورد سکوت کرده است. همین امر سبب شده که دو رویکرد مضیق و موسع در مورد مفهوم حمله مسلحانه مطرح شود. در رویکرد مضیق، حمله باید علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یک کشور بوده و دارای شدت، استمرار و گستردگی کافی باشد تا بتوان به آن اطلاق حمله مسلحانه کرد. به این نحو در این رویکرد به هرگونه استعمال زور نمی‌توان حمله مسلحانه اطلاق کرد. اما در رویکرد موسع، حمله مسلحانه محدود به دولت‌ها نیست و هر نوع حمله‌ای حتی توسط گروه‌های غیر دولتی

هم می‌تواند یک حمله مسلحانه تلقی شود. علاوه بر این، حملات با شدت کم ولی پراکنده و متعدد می‌تواند یک حمله مسلحانه تلقی شود و به دولت قربانی حق توسل به دفاع مشروع دهد (نامدار و قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۲۹). پس همان‌گونه که در بخش پیشین ذکر شد، تفسیر موسع از حمله مسلحانه، سبب شکل‌گیری قرائت‌هایی از دفاع مشروع شده که بر حسب زمان حمله مسلحانه، دفاع پیشگیرانه (پیشدستانه و پیشگیرانه)، بر حسب نوع حمله‌کننده، دفاع مشروع در برابر گروه‌های غیر دولتی از جمله گروه‌های تروریستی و بر حسب شدت و میزان حمله، دفاع مشروع در برابر حملاتی مانند حملات سایبری را مطرح کرده است. به عبارت دیگر بر اساس ابعاد سه‌گانه‌ای که شامل اقدامات نظامی تشکیل‌دهنده حمله مسلحانه و شدت آن^۱، توسل به دفاع مشروع پیش یا پس از وقوع حمله مسلحانه^۲ و ارتکاب یا انتساب حمله مسلحانه به یک دولت یا گروه غیر دولتی^۳ می‌شود، قرائت‌های نوینی از حق دفاع مشروع طرح شده است (Ruys, 2010: 3).

در مورد قرائت‌های جدید از دفاع مشروع که منشعب از تعریف متفاوت از حمله مسلحانه است، بحث‌های مفصل و مطولی در جریان است که برخی از آنها در اولویت موضوعی این پژوهش نیست. اما در باب قرائت سنتی از مفهوم حمله مسلحانه، یکی از موضوعات مهم و مرجع، قطعنامه ۳۳۱۴ است. هرچند حمله مسلحانه تعریف نشده اما قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی معروف به قطعنامه تعریف تجاوز، می‌تواند مهم‌ترین راهنمای احراز آن باشد. علت این امر در تعریف قابل انطباقی است که دیوان و قطعنامه از این دو مفهوم ارائه کرده‌اند. مقدمه قطعنامه از تجاوز به‌عنوان جدی‌ترین و خطرناک‌ترین شکل توسل به زور یاد می‌کند. دیوان نیز حمله مسلحانه را وخیم‌ترین شکل توسل به زور می‌داند. امروزه این تطابق توسط اکثریت دکتترین حقوقی پذیرفته شده است (Irmakkesen, 2014: 4). در ماده یک این قطعنامه، تجاوز را کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر یا کاربرد آن از راه‌های دیگر مغایر با منشور ملل متحد، آنچنان که در این ماده آمده، تعریف کرده است. در ماده سه که مکمل ماده یک این قطعنامه است، به موارد تجاوز اشاره شده که عبارت هستند از:

- تهاجم یا حمله نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین دولت دیگر یا هر نوع اشغال نظامی هر چند موقت ناشی از چنان تهاجم یا حمله‌ای یا هر گونه ضمیمه‌سازی سرزمین یک دولت یا قسمتی از آن با استفاده از زور.

1 - Ratione Materiae

2 - Ratione Temporis

3 - Ratione Personae

- بمباران سرزمین یک دولت توسط نیروی مسلح دولتی دیگر یا کاربرد هر نوع سلاح توسط یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر.
 - محاصره بندرها یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت دیگر.
 - حمله نیروهای مسلح یک دولت به نیروهای زمینی، دریایی، هوایی یا ناوگان هوایی یا دریایی دولت دیگر.
 - استفاده یک دولت از نیروهای مسلح، مغایر با شرایط مورد توافق با دولتی دیگر که در سرزمین آن مستقر شده‌اند یا ادامه حضور آن نیروها در این سرزمین پس از پایان مدت مورد توافق.
 - اجازه یک دولت برای استفاده از سرزمینش که در اختیار دولتی دیگر قرار داده است به منظور انجام اقدامی تجاوزکارانه علیه دولتی ثالث.
 - اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یا از جانب یک دولت به منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولتی دیگر با آنچنان شدتی که در زمره اقدامات فهرست شده بالا قرار گیرند یا درگیر شدن قابل ملاحظه دولت مزبور در آن عملیات.
- ذکر این نکته ضروری است که اهمیت این قطعنامه فراتر از قطعنامه‌های معمول و صادره از مجمع است. علت این امر، نخست در تصویب آن به صورت اجماع است (Wilmshurst, 2024). دوم به دلیل عدم مخالفت اعضای دائم شورای امنیت هنگام تصویب قطعنامه است (زمانی، ۱۳۷۴: ۵). سوم اینکه قطعنامه مذکور توسط دیوان در حین تشریح مفهوم حمله مسلحانه به کرات مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع، دیوان در پرونده‌های نیکاراگوئه، سکوه‌های نفتی و فعالیت‌های مسلحانه در قلمرو کنگو، این قطعنامه را به‌عنوان نقطه شروع تحلیل خود در مورد تعریف حمله مسلحانه به کار گرفته است (Irmakkesen, 2014: 4). در نهایت، در روند تعریف جنایت تجاوز در پرتوی کنفرانس بازنگاری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا^۱، قطعنامه ۳۳۱۴ به‌عنوان مبنا قرار گرفت (فروغی‌نیا و موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۴۱). علاوه بر مصادیق فوق، مجمع عمومی در سند تصویب قطعنامه ۳۳۱۴، توجه شورای امنیت را به تعریف تجاوز جلب و به آن توصیه کرده که در احراز تجاوز، تعریف مزبور را به نحو مقتضی راهنمای خود قرار دهد.
- یکی از موضوعات قابل تأملی که در آن دیوان به قطعنامه مذکور توجه ویژه داشته، موارد تجاوز غیر مستقیم است. در واقع، ماده سه قطعنامه تجاوز شامل موارد تجاوز مستقیم و غیر مستقیم می‌شود. به

1 - Review Conference of the Rome Statute of the International Criminal Court (ICC) opened in Kampala, Uganda.

طور معمول، تشخیص حمله مستقیم به راحتی انجام می‌شود ولی شناسایی حملات غیر مستقیم دشوار است. همین تصریح موارد تجاوز غیر مستقیم، مبنای اقدام و صدور رأی دیوان در قضیه نیکاراگوئه شد. بند هفتم ماده ۳ قطعنامه تعریف تجاوز که در باب گروه‌ها و افراد غیر دولتی است، بیان می‌دارد که اعمال مسلحانه این گروه‌ها باید با چنان شدتی انجام گیرد که در قامت یک حمله مسلحانه واقعی توسط نیروهای منظم یا با دخالت قابل توجه آنان باشد. به عبارت دیگر، دیوان در قضیه نیکاراگوئه خاطر نشان کرده که اعمال نیروهای نامنظم می‌تواند در حد یک حمله مسلحانه باشد، در صورتی که از شدت یک حمله مسلحانه نیروهای منظم برخوردار باشد (Médecins Sans Frontières, 2023)؛ بر همین اساس است که دیوان، تأمین تسلیحات برای مخالفان در کشور دیگر را مصداق حمله مسلحانه علیه آن کشور نمی‌داند (محمدعلی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۰). البته دیوان شرط دیگری هم اعلام کرده و مقرر داشته است که عملیات نظامی نامنظم باید به دستور یا هدایت از سوی دولت انجام گیرد، تا بتواند به‌عنوان حمله مسلحانه محسوب گردد و طبعاً در مقابل آن حق دفاع مشروع وجود داشته باشد (محبی و شفیع، ۱۳۹۷: ۱۰۲). این شرط در پرونده فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و بر معیار کنترل مؤثر به‌عنوان آستانه تحقق مسئولیت دولت در حملات نیروهای نامنظم، تأکید کرد (قاسمی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۰: ۱۹۲). بنابراین ناتوانی یک دولت در کنترل فعالیت‌های گروه‌های غیر دولتی که در قلمرو آن فعالیت می‌کنند، برای اثبات حمله مسلحانه (در صورت رسیدن به آن آستانه) کافی نیست، زیرا باید توسط یک دولت یا نیروهایی که تحت کنترل آن و یا به نمایندگی از آن عمل می‌کنند، صورت گیرد.

این قطعنامه در خصوص حمله سایبری و توسل به دفاع مشروع نیز راهنمای بخشی از حقوقدانان بوده است. تکیه این حقوقدانان بر دیدگاه ابزارمحور است. بر اساس این دیدگاه، حملات سایبری باید مشخصه‌های فیزیکی همانند با حملات مسلحانه در دنیای واقعی را داشته باشد. طرفداران این دیدگاه، تعریف قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از واژه تجاوز را مبنای تفسیر خود قرار داده‌اند (امیری و حیدری‌فر، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

مورد دیگری که مورد استناد حامیان تفسیر مضیق قرار گرفته، ماده یک قطعنامه ۳۳۱۴ است که همگام با رویکرد آنان مبتنی بر ماهیت حمله‌کننده مسلحانه در مقوله دفاع مشروع است. این ماده مقرر می‌دارد که تجاوز به معنای استفاده از نیروی مسلح توسط یک کشور علیه یک کشور دیگر است. این طیف با تأکید بر اینکه عدم ذکر ماهیت حمله‌کننده در ماده ۵۱ ناشی از این امر است که در زمان تدوین ماده

۵۱ منشور، حمله یک کشور به کشور دیگر عرف بوده است؛ ماده یک قطعنامه مذکور را تاییدی بر این رویکرد می‌دانند.

۴. نتیجه

عدم تبیین مفهوم حمله مسلحانه به‌عنوان پیش‌شرط استفاده از حق دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور باعث شده که تفاسیر مضیق و موسع از حق دفاع مشروع و حمله مسلحانه صورت گیرد. علی‌رغم وجود برخی تفاسیر موسع که به‌طور مکرر توسط برخی کشورها به آن استناد می‌شود اما تفسیر مضیق از حق دفاع مشروع و حمله مسلحانه هنوز جایگاه قابل‌تاملی دارد. به طوری که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌های مطروحه در این دوران که قبل و بعد از حملات ۱۱ سپتامبر رخ داد، به کرات بر تفسیر مضیق از دفاع مشروع تاکید کرده است.

یکی از ستون‌های استدلالی حامیان تفسیر مضیق از حق دفاع مشروع، قطعنامه تعریف تجاوز است. حق دفاع مشروع و قطعنامه ۳۳۱۴ رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. این ارتباط به‌ویژه در چارچوب ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد برجسته است. ارتباط میان حق دفاع مشروع و قطعنامه ۳۳۱۴ را در حوزه‌های متعدد می‌توان تعریف کرد. نخست اینکه قطعنامه مذکور می‌تواند به‌عنوان مبنای قانونی برای دفاع مشروع در نظر گرفته شود. تعریف تجاوز در قطعنامه ۳۳۱۴، معیارهایی برای شناسایی حمله مسلحانه فراهم می‌کند. بدون وقوع تجاوز به‌عنوان یک حمله مسلحانه، دفاع مشروع در معنای مضیق آن از منظر حقوق بین‌الملل توجیه‌پذیر نیست. کما اینکه قطعنامه مذکور توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در حین تشریح مفهوم حمله مسلحانه به کرات مورد استفاده قرار گرفته است. دوم اینکه طبق ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت صلاحیت شناسایی تجاوز و تصمیم‌گیری درباره مشروعیت دفاع مشروع را دارد. قطعنامه ۳۳۱۴ راهنمایی برای تعیین تجاوز و بررسی مشروعیت اقدامات دفاعی فراهم می‌کند. در صورت تأیید تجاوز، دفاع مشروع کشور قربانی مشروعیت بین‌المللی بیشتری پیدا می‌کند و شورا نیز می‌تواند اقدامات لازم از قبیل تحریم یا مداخله نظامی را اتخاذ کند. سوم اینکه محدودیت‌های دفاع مشروع را مشخص می‌کند. بر این اساس، دفاع مشروع نباید فراتر از هدف دفع تجاوز باشد. اگر کشوری به بهانه دفاع مشروع، اقدامات نامتناسب یا پیشنگرانه (اعم از پیشدستانه یا پیشگیرانه) انجام دهد، ممکن است خود به‌عنوان متجاوز شناخته شود. بنابراین تعریف دقیق تجاوز در قطعنامه ۳۳۱۴ از سوءاستفاده کشورها از ماده ۵۱ و ادعای نادرست دفاع مشروع جلوگیری می‌کند. بنابراین تعامل و ارتباط بین قطعنامه ۳۳۱۴ با حق دفاع مشروع و تبیین حمله مسلحانه در قالب آن، می‌تواند به صلح و امنیت بین‌المللی کمک کرده و از سوءاستفاده از مفهوم حق دفاع مشروع جلوگیری می‌کند.

قهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- ابراهیم‌زاده، پوریا، و ملکی‌زاده، امیرحسین (۱۴۰۰). جایگاه دفاع پیشدستانه از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تبیین موانع حقوقی بین‌المللی اعمال آن جهت حفاظت از غیر نظامیان، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۲).
- ۲- امیری، علی، و حیدری‌فر، مهدی (۱۳۹۷). جنگ‌های سایبری: چالش‌ها و راهکارهای تعامل در پرتو مقررات توسل به زور، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۲(۳).
- ۳- جلالی، محمود، و زیب، رضا (۱۳۹۷). ارزیابی دفاع مشروع پیشگیرانه علیه تروریسم، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۳(۸۲).
- ۴- حسینی زندآبادی، سید حسین؛ عابدینی، احمد؛ عاشوری، نادعلی، و عباسیان، رضا (۱۳۹۷). واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۵۳).
- ۵- رضایی، مسعود، و جلالی، محمود (۱۳۹۷). جنگ سایبری و توسعه حقوق بین‌الملل منع توسل به زور. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸(۳).
- ۶- زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۴). توجیه کاربرد غیر قانونی زور در قالب دفاع مشروع، مجله سیاست دفاعی، ۶(۱۲).
- ۷- صابری انصاری، بهزاد، و ممتاز، جمشید (۱۳۹۱). تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور، فصلنامه علمی راهبرد، ۲۱(۲).
- ۸- صحرائی، محمدرضا (۱۳۸۷). مشروعیت توسل به زور در مبارزه با تروریسم، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۳(۴).
- ۹- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۰- طارم‌سری، مسعود؛ مستقیمی، بهرام، و مصفا، نسرین (۱۳۶۵). مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، ۷(۸).
- ۱۱- ظریف، محمدجواد، و آهنی امینه، محمد (۱۳۹۱). دفاع مشروع پیشدستانه مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد، تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، ۴(۱۲).
- ۱۲- علیخانی، مهدی (۱۳۹۴). قاعده منع توسل به زور و دفاع مشروع در شرایط قابل پیش‌بینی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۱(۴۴).
- ۱۳- فروغی‌نیا، حسین، و موسی‌زاده، رضا (۱۳۹۱). تعریف جنایت تجاوز در پرتوی قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا (ژوئن ۲۰۱۱)، فصلنامه علمی راهبرد، ۲۱(۲).
- ۱۴- قادری کنگاوری، روح‌الله، و آقایی خواجه پاشا، داود (۱۳۹۱). تحلیل تطبیقی مبانی نظری و عملی مقاومت و تروریسم (حقوق و تکالیف نهضت‌های آزادی‌بخش)، فصلنامه آفاق امنیت، ۵(۱۷).
- ۱۵- قاسمی، علی، و بارین چهاربخش، ویکتور (۱۳۹۱). حملات سایبری و حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی دادگستری، ۷۶(۷۸).

- ۱۶- قاسمی، علی، و بارین چهاربخش، ویکتور (۱۳۹۰). رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دفاع مشروع پس از رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۸(۴۵).
- ۱۷- کدخدایی، عباسعلی، و زرنشان، شهرام (۱۳۸۶). امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم، *پژوهش‌های حقوقی*، ۶(۱۱).
- ۱۸- محبی، محسن، و شفیعی، ایمان (۱۳۹۷). تحول مفهوم دفاع مشروع: حقوق بین‌الملل و بازیگران غیر دولتی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۱(۸۱).
- ۱۹- محمدعلی‌پور، فریده (۱۳۹۶). حملات سایبری و چالش‌های جدید اصل منع استفاده از زور در روابط بین‌الملل. *سیاست جهانی*، ۶(۳).
- ۲۰- نامدار، سعید، و قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۷). بررسی مفهوم دفاع مشروع در پرتو حملات سایبری (با تأکید بر حمله استاکس‌نت به تأسیسات هسته‌ای ایران)، *مطالعات حقوقی*، ۱۰(۲۷).
- ۲۱- یاقوتی، محمد مهدی (۱۳۹۰). استثنائات حقوقی ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۵(۳).

منابع غیر فارسی

- 1- Alder, M. C. (2013). *The inherent right of Self-defense in international law*, Dordrecht: Springer.
- 2- Brenner, S. W. (2006). Cybercrime, cyberterrorism and cyberwarfare, *Revue Internationale de droit penal*, 77(3).
- 3- Irmakkesen, Ö. (2014). *The Notion of Armed Attack under the UN Charter and the Notion of International Armed Conflict – Interrelated or Distinct?* (Geneva: Geneva Academy of International Humanitarian and Human Rights Law).
- 4- Ruys, T. (2010). *Armed Attack' and Article 51 of the UN Charter: Evolutions in Customary Law and Practice*. (Cambridge: Cambridge University Press).
- 5- Upeniece, V. (2018). *Conditions for the lawful exercise of the right of self-defense in international law*, SHS Web of Conferences, 40.

منابع اینترنتی

- ۱- محمدعلی‌پور، فریده. دفاع مشروع، ۱۴۰۱/۰۸/۰۱، قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/732696>
- 2- Elizabeth Wilmshurst. "DEFINITION OF AGGRESSION", 2024/08/01, Available at: https://legal.un.org/avl/pdf/ha/da/da_e.pdf
- 3- Médecins Sans Frontières. "The Practical Guide to Humanitarian Law". 2023/01/20, Available at: <https://guide-humanitarian-law.org/content/article/3/non-state-armed-groups/>
- 4- United Nations Audiovisual Library of International Law. "DEFINITION OF AGGRESSION GENERAL ASSEMBLY RESOLUTION 3314 (XXIX)", 2024/08/01, Available at: https://legal.un.org/avl/pdf/ha/da/da_ph_e.pdf